



نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 91

سری سوم، ویژه نامه 91  
February 2021  
بم 1399

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@gmail.com

سر دبیر: مینو همتی

مدیر مسئول: شراره رضایی



به مناسبت سالروز قیام بهمن 57

نگاهی بر پیش پرده نمایش فرود اسلامیون بر تخت سلطنت و تبدیل آن به منبر ولایت فقیه



[Enter text here]



به نشریه رهایی زن ببینید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.

Markazi@RahaiZan.org  
shararehrezaei.p@googlemail.com

نگاهی بر پیش پرده نمایش فرود اسلامیون بر تخت سلطنت و تبدیل آن به منبر ولایت فقیه

مصاحبه ی سازمان رهایی زن با نسرين پرواز



<https://youtu.be/4RPbzNQw1IM>

در مورد دلایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وقوع انقلابات از جمله انقلاب ناکام 57 مقالات و مباحث فراوانی نوشته شده است. لیکن ابهامات و تحریفات تاریخی فراوانی در مورد چگونگی بقدرت رسیدن این فرقه آدمخوار وجود دارد. از جمله اینکه این رژیم اسلامی محصول مخالفت روشنفکران و چپها با حکومت شاه است. این ادعاها بخصوص ورد زبان بسیاری از طرفداران سلطنت بوده و هست. برای روشن شدن جایگاه جریانات و سازمانهای سیاسی موجود آن زمان در بقدرت رسیدن ارتجاع اسلامی از نسرين پرواز نویسنده، مارکسیست و از زندانیان سیاسی سابق دعوت کردیم تا ما را در مرور این صفحات تاریخ یاری رسانند.

نسرين پرواز عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

مینو همتی: قبل از شروع سوالاتم مایلم دو فاکت را مطرح کنم تا شرایط تاریخی آن زمان برای مخاطبین جوانتر ما شفافتر باشد. جنگ سرد بین اردوگاه شوروی و کمپ آمریکا ردپای خود را در گوشه و کنار جهان آنروز گذارده است که پرداختن به آن در این برنامه نمیگنجد. لیکن میتوان به تلاش آمریکا برای بستن کمربند سبز اسلام به پای شوروی در مجاورت جمهوریهای مسلمان نشین اشاره کرد که در سال 1977 به کودتای نظامی ژنرال ضیا الحق در پاکستان انجامید و او یکسال بعد قانون شریعت را بر آن کشور برقرار کرد و هسته اولیه مجاهدین افغان را با یاری آمریکا دایر کرد. همزمان با این تحول، ساواک، یعنی چشم و گوش حکومت شاه با رهبران جریانات اسلامی از جمله

نسرين پرواز: ببینم همراهان خمینی چه کسانی بودند:

- یکی از کسانی که 15 سال قبل از انقلاب با خمینی ارتباط گرفت، صادق قطب زاده بود. او در آمریکا زندگی و در کانادا تحصیل کرد. قطب زاده در سال 1342 به دیدن خمینی به عراق رفت و خودش را مقلد او میدانست. به همراه مصطفی چمران و ابراهیم یزدی دیداری با مقامهای مصری برای ایجاد حرکتی ضد شاه داشتند. چمران به عنوان مسئول شاخه نظامی این حرکت برگزیده شد. قطب زاده رابطه نزدیکی با سید موسی صدر رهبر شیعیان لبنان داشت. با ورود خمینی به پاریس، قطب زاده امکانات اقامت خمینی و همراهانش را در فرانسه فراهم میکند. قطب زاده در زمان حضور خمینی در فرانسه از جمله مشاوران وی بود و خمینی را در سفر به ایران همراهی کرد. کرول جروم دوست دختر صادق قطب زاده

کتابی به نام مرد در آینه پیرامون خاطراتش با قطب زاده و حوادث بعد از انقلاب نوشته. وقتی برنامه ریزی ها برای بردن خمینی به ایران انجام شد، ایرفرنس از ترس اینکه هواپیمای او را بزنند پول بیمه میخواست. بنابر گفته عسگر اولادی، مبلغ بیمه هواپیمای خمینی توسط گروهی از بازاریان تهران، تبریز، مشهد و اصفهان تامین شد. دفتر عباس امیران نظام که عضو شورای رهبری جبهه ملی بود، طبقه بالای دفتر ایرفرنس در تهران بود. نمایندگان نهضت آزادی با مدیران ایرفرنس دیدار کردند. به نقل از کرول جروم، بقیه کار را به قطب زاده در پاریس سپردند. روزنامه واشینگتن پست در بهمن 1357 نوشته، هزینه پرواز خمینی به ایران، 175 هزار دلار بوده که به پول آن زمان ایران معادل یک میلیون و دویست و بیست و پنج هزار تومان میشده.

پس از قدرت گرفتن اسلامیستها در ایران قطب زاده وزیر امور خارجه و مدیرعامل سازمان رادیو تلویزیون و عضو شورای انقلاب شد. ولی در شهریور 61 او را به اتهام توطئه علیه رژیم اعدام کردند.

- فرد دیگر مثلثی که در ابتدا گفتیم، ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی بود که سال ها در تگزاس زندگی کرده بود. او شهروندی آمریکا را داشت و از جمله همراهان خمینی در بازگشت به ایران بود. در زمانی که خمینی در نوفل لوشاتو بود، ابراهیم یزدی از مشاوران او بود. در بهمن 57 به دستور خمینی به عضویت شورای انقلاب اسلامی در آمد. یزدی مدتی سرپرست موسسه کیهان بود و پس از استعفای کریم سنجابی از وزارت امور خارجه، به عنوان وزیر امور خارجه دولت موقت معرفی شد.

عسگر اولادی در زندان بتوافق میرسد که آنرا آزاد کند تا مبارزه با کمونیستها و مرتدین در سراسر کشور را سازمان دهند. (نقل بمعنی از خاطرات منتظری صفحه 392 و 393)\*. و این در حالیست که فعالین و سازماندهندگان چپ و مارکسیست در زندانها محبوس هستند و دست اسلامیون برای سازماندهی نیروهایش با پول بازاریان توسط رژیم شاه باز گذاشته میشود. میدیای غرب نیز بخصوص بی بی سی توانست بلندگوی تبلیغاتی ارتجاع اسلامی شود و به خمینی و دار و دسته اش برای ربودن رهبری یک انقلاب عدالتخواهانه یاری رساند. مسلما علاقمندان میتوانند با مطالعه اسناد تاریخی معتبر نقش رژیم شاه را در این خودکشی سیاسی برای حفظ قدرت طبقات استثمارگر بهتر درک کنند. بگذریم که نهایتا در این بازی شطرنج روسها رو دست زدند و کمربند سبز اسلام را به گردن آمریکا آویزان کردند. و مردم نگون بخت ایران، افغانستان، عراق و کل خاورمیانه و شاخ آفریقا کماکان تاوان حاکمیت سیاه اسلام سیاسی، زاده جنگ سرد دو ابر قدرت را با پوست و گوشت و استخوان خود میدهند.

مینو همتی:

نسرين عزیز، پیرامون سالروز 22 بهمن، باز هم داغ دل برخی ها تازه شده و بازار اتهامات به روشنفکران و چپها و نقش آنها در روی کار آمدن خمینی و فرقه آدمخوارش هم داغتر شده است. در صورت امکان، نقش جریانات سیاسی و ملی مذهبی از نهضت آزادی گرفته تا جبهه ملی که زیر بقل خمینی را گرفتند تا بر تخت قدرت بنشینند بطور کرونو لوژیک توضیح دهید.

ولی او هم خیلی زود از چشم رژیم افتاد. ابراهیم یزدی در جلد سوم کتاب خاطراتش در نامه ای خطاب به احمد خمینی نوشته: شما خوب میدانید که برنامه سیاسی و اجرایی آقای خمینی را من تنظیم کرده و ایشان تصحیح نمودند، که بعدها بر طبق آن شورای انقلاب و دولت موقت تاسیس گردید. شما به کسی این اتهامات پوچ و بی اساس را زده اید که طراح و موسس سپاه پاسداران بوده، طراح و مبتکر روز قدس بوده، طراح اصلی و اولیة برخی دیگر از نهادهای انقلاب بوده است.

ابراهیم یزدی در زمان زندگی و تحصیل در آمریکا، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا و انجمن اسلامی پزشکان آمریکا و کانادا را تاسیس کرد. او موسس اولین مسجد شهر هوستون بود. از موسسان جامعه مسلمانان هوستون و نخستین رئیس آن بود، که بزرگترین سازمان اسلامی در آمریکاست. او عضو هسته مرکزی بسیاری از تشکلهای دانشجویی مسلمان در آمریکا بوده. تعدادی از اعضای این انجمنهای اسلامی در حال حاضر جزو دیکتاتورهای دنیا هستند. مثل رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه.

- قبل از اینکه به دیگر همراهان خمینی برسم. بهتره این مثلث را تکمیل کنم. همانطور که اشاره کردم، عضو دیگر این مثلث چمران بود. چمران تحصیل کرده آمریکا و فیزیکدان بود. او عضو شورای مرکزی نهضت آزادی بود. آموزشهای نظامی را در مصر دید و بعد به لبنان رفت و به همراه موسی صدر، در تشکیل جنبش امل نقش داشت و از فرماندهان آن بود. زمانی که در دانشگاه تهران تحصیل میکرد، شاگرد مهدی بازرگان بود، و تحت تاثیر او وارد سیاست شد. در زمان تحصیل در خارج از ایران، او به همراه ابراهیم یزدی، علی شریعتی و صادق قطب زاده، شاخه خارج کشوری نهضت آزادی و انجمن اسلامی دانشجویان ایران در آمریکا را تاسیس کردند. در تشکلی که قبلا این سه نفر زده بودند مسئول شاخه نظامی بود و حالا در دولت بازرگان وزیر دفاع شد. او یکی از فرماندهان و بنیانگذار سناد جنگهای نامنظم در جریان جنگ ایران و عراق بود. چمران در خرداد 1360 در یک منطقه جنگی بر اثر اصابت ترکش به سرش کشته شد.

- مهدی بازرگان عضو جبهه ملی و موسس نهضت آزادی بود. بازرگان از فعالان انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود، که بعد از سال 57 به دفتر تحکیم وحدت معروف شد. بعد از قدرت گیری اسلامیستها، او به حکم خمینی نخست وزیر و رئیس دولت موقت شد. اکثر وزرای دولت بازرگان را اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی تشکیل میدادند. از جبهه ملی، کریم

سنجابی، داریوش فروهر، حسین شاه حسینی و چند نفر دیگر بودند. دولت موقت همه پرسوی جمهوری اسلامی را برگزار کرد.

- فرد دیگر از اعضای جبهه ملی کریم دستمالچی بود، که خانه ای برای خمینی در پاریس خریده بود. ولی او هم به سرنوشت قطب زاده دچار شد و در تیر 1360 به جرم کمک مالی به گروههای ضد رژیم اعدام شد. - عباس امیر انتظام که همانطور که اشاره کردم، عضو شورای رهبری جبهه ملی بود. او هم مانند تعداد دیگری از ملی-مذهبی ها از شاگردان بازرگان در دانشگاه تهران بود. تحصیل کرده فرانسه و آمریکا بود. در دولت بازرگان، او معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت شد. امیر انتظام هم بخاطر روابطش با آمریکایی ها مورد خشم نظام قرار گرفت و از اواخر 58 تا 75 زندانی بود.

- بنی صدر نماینده دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران در کنگره جبهه ملی در سال 1341 و مسئول سازمان دانشجویان جبهه ملی در دانشگاه تهران بود. او در فرانسه تحصیل کرد و در دهه هفتاد میلادی به عنوان یک اسلام گرا فعالیت داشت. او هم خمینی را در سفر معروفش به ایران همراهی کرد و اولین رئیس جمهور بعد از انقلاب بود. ولی از ایران فرار کرد.

- هاشمی رفسنجانی شاگرد خمینی و دوست نزدیک خامنه بود. هاشمی تحت تاثیر خمینی به سیاست روی آورد. با تبعید خمینی نقش نمایندگی او را در مبارزه با شاه پیدا کرد. خمینی، هاشمی را مدیر مالی و مسئول ارتباط با سایر گروهها کرد. از جمله گروههایی که با هاشمی ارتباط داشتند، حزب مؤتلفه اسلامی بود که مسئول ترور حسنعلی منصور بودند. بعد از انقلاب، بخاطر اعتمادی که خمینی به او داشت، رفسنجانی یکی از قدرتمندترین چهره های رژیم شد. و نقش های زیادی در وزارت خانه ها و تشکلهایی مثل شورای انقلاب، وزارت کشور، جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی و غیره پیدا کرد.

لیست کسانی که در جبهه ملی یا نهضت آزادی بودند و با خمینی همکاری کردند طولانی است. بهتره که به همینجا اکتفا کنیم.

#### مینوهمتی:

برای بهتر روشن شدن آنچه گذشت، ضروری است که این بسته بندی کلی چپ را باز کنیم و نقش سازمانهای مدعی چپ بودن را برای مخاطبین جوانتر ما با نام و پلاتفرم شان، همراهی یا مبارزه با رژیم اسلامی را از هم تفکیک کنیم.

نسرین پرواز: چپها تا زمانی که شاه فهمید رفتنی است، در زندان بودند. ولی در پروسه

خیزش مردم دهها گروه چپ شکل گرفت. چرا که در دوران قیام علیه شاه و تا زمانی که جمهوری اسلامی بتواند خودش را بسازد، مردم آزادی سیاسی بدست آورند. جریاناتی مثل پیکار، رزمندگان، اتحاد مبارزان کمونیست، وحدت انقلابی و غیره شکل گرفتند. نظر این جریانات این بود که رسالت خمینی ادامه اختناق سیاسی شاه است. و باید با آن مبارزه کنیم.

بهترین سند برای بررسی اینکه چه کسانی از همان ابتدا از خمینی و یا رژیم دفاع کردند و چه کسانی با آن مبارزه کردند، رفراندوم "جمهوری اسلامی، آری یا نه"، است. همه پرسوی که کمتر از دو ماه بعد از قدرتگیری اسلامیستها برگزار شد و مردم فقط میتوانستند به جمهوری اسلامی آری یا نه بگویند. گفتند 97 در صد رای آورده است، در حالیکه مردم کردستان و همه چپ ها در سراسر ایران این رفراندوم را تحریم کردند. کومه له، چریکها، پیکار و بقیه جریانات چپ حاضر نشدند در این همه پرسوی شرکت کنند. و اگر حالا بعضی ها به دروغ میگویند چپها از جمهوری اسلامی دفاع کردند، بخاطر منافع شان است.

جریانات چپ نه تنها از خمینی دفاع نکردند، بلکه بخاطر داشتن یک اعلامیه علیه او و دولتی که تعیین کرده بود، دستگیر و اعدام شدند. در اینجا همیشه از چپ حرف زد و از کومه له و مردم کردستان که از همان ابتدا علیه جمهوری اسلامی بودند سخنی نگفت. به همین دلیل هم خمینی چند ماه بعد از آمدنش به ایران، دستور حمله به کردستان را داد. حمله های خونینی به کردستان کردند و مردم را در برخی دهات قتل عام کردند. مردم کردستان از خودشان دفاع کردند و جمهوری اسلامی را از کردستان بیرون کردند. ولی حملات رژیم به کردستان و دفاع مردم از خودشان حدود یک دهه طول کشید که باعث شد خیلی از جوانان از شهرها خارج شده و زندگی پیشمرگانی داشته باشند.

بعضی از سلطنت طلبها برای کوبیدن چپ، میگویند حزب توده از خمینی دفاع کرد. خوب حزب توده چه ربطی به چپ دارد؟ حزب توده چپ نبود، با این حال از سرکوب جمهوری اسلامی هم در امان ماند و آنها هم دستگیر و اعدام شدند. چریکهای فدایی که به بزرگترین جریان چپ در دوران خیزش مردم و بعد از بهمن 57 تبدیل شد، انشعاب داد. و بخشی از آن، گرایش توده ای پیدا کرد. بخش چپ آن از خمینی دفاع نکرد، ولی بخش راست آن، از خمینی دفاع کرد. منظوم این است که چپها هرگز از خمینی و رژیم دفاع نکردند. تنها انواع راستها، مذهبی و غیر مذهبی از رژیم دفاع کردند.

**مینوهمتی:** به غیر از کمربند سبز آمریکا در منطقه که در ابتدا توضیح دادم، چه مولفه های دیگری در قدرت گیری جمهوری اسلامی نقش داشتند؟

**نسرین پرواز:** قبل از اینکه نگاهی بکنیم به پرونده هایی که ویکیلیکس در مورد روابط مخفی آمریکا و خمینی منتشر کرده، دوست دارم در مورد یک سند براتون توضیح کوتاهی بدم.

خلیل کمره ای، نامه ای به دولت آمریکا میفرستد. مضمون نامه خمینی این بوده که او مخالف منافع آمریکا در ایران نیست. و فکر میکند حضور آمریکا برای تقابل با حضور شوروی و انگلیس در ایران لازم میباشد. خمینی در عین حال توضیح میدهد که به همکاری ادیان بخصوص اسلام و مسیحیت اعتقاد دارد. \*\*

بنابر پرونده هایی که ویکیلیکس فاش کرده آمریکا وارد روابط مخفیانه با خمینی هم زمانی که در فرانسه بود و هم زمانی که به ایران رفت، شد. البته کسی از این روابط خبر نداشت، تا سال گذشته که ویکیلیکس آنرا بر ملا کرد. سال 1357 وقتی آمریکا دید دیگر امکان ندارد شاه در ایران حکومت کند به او گفت که از کشور خارج شده و امکان بازگشت خمینی به ایران را باز کند. آمریکا در حالیکه در تبلیغات اش از شاه دفاع میکرد، به خمینی کمک کرد که به قدرت برسد و انقلاب مردم را به خون بکشد و یک رژیم دیکتاتوری درست کند. باز هم بنابر اسناد ویکیلیکس، قبل از اینکه شاه، ایران را ترک کند، از سطوح بالای ارتش پرسیده شده بود که آیا با آمدن خمینی مشکلی دارند یا نه. و سفیر آمریکا در ایران به واشنگتن گزارش داده بود که سران ارتش هیچ مشکلی با آمدن خمینی ندارند.

بنابر اسناد منتشر شده ویکیلیکس، خمینی زمانی که در پاریس بود قولهایی به آمریکا داد. او در دی 57، به واشنگتن اطمینان میدهد که جمهوری اسلامی شیرهای نفت را به روی غرب نخواهد بست، با آمریکا رابطه دوستانه خواهد داشت و انقلاب را به منطقه صادر نخواهد کرد.

خمینی روز هفت دی 57 در محل اقامتش در نوفل لو شاتو مهمانی آمریکایی داشت به نام ریچارد کاتم، که استاد روابط بین الملل دانشگاه بود. کاتم از منتقدان شاه بود و مدت ها بود که سعی داشت ابراهیم یزدی یعنی دستیار خمینی را به مقامات دولت کارتر معرفی کند. بعد از دیدار کاتم با خمینی در پاریس، او عازم تهران شد و ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا را به تماس مستقیم با محمد بهشتی رهبر سازماندهی اصلی اعتراضات اسلامیون در داخل کشور تشویق کرد. کاتم از

خمینی دفاع میکرد. در تاریخ 10 مهر 57 در واشنگتن پست نوشت: خمینی قویا از اصلاحات ارضی و اقتصادی و نیز بهبود نقش زنان در جامعه حمایت میکند.

البته دو سال بعد از به قدرت رسیدن خمینی معلوم شد که کاتم در دهه 1950 میلادی یعنی در زمان کودتای آمریکایی-انگلیسی علیه مصدق، مامور مخفی سازمان سیا بوده. اسنادی که از حالت طبقه بندی در آمریکا خارج شدند، نشان دادند که سفارت آمریکا در تهران به واسطه کاتم به نقش مهم بهشتی در سازماندهی اعتراضات ضد سلطنتی پی برد و سابقه آشنایی کاتم و بهشتی به حدود پنج سال قبل از انقلاب بر میگشت. البته بعد از اشغال سفارت آمریکا، خبر تماسهای محرمانه بهشتی با آمریکایی ها به رسانه ها درز کرد و بهشتی مجبور شد در کنفرانس های خبری به اتهامات پاسخ دهد.

بنابر مقاله ای که واشینگتن پست در سال 2016 چاپ کرد، بین 1947 تا 1989 آمریکا 72 بار سعی کرده که حکومت های کشورهای دیگر را تغییر بده. \*\*\* نویسنده برای تحقیق روی این موضوع، چند سال اسنادی را که از طبقه بندی محرمانه خارج شدند، مطالعه کرده. بنابر این اسناد 66 تا از این تلاشها برای تغییر حکومتها، مخفی بودند و 6 تا از آنها علنی انجام شدند. البته آمریکا موفق به تغییر همه حکومتهایی که در آنها دخالت کرد، نشد. دقیقتر اگر بگم، در تغییر 26 حکومت موفق شد و در تغییر 40 تا از آنها ناموفق ماند. کودتای علیه مصدق که شاه را به ایران برگرداند مورد موفقیت از آنها بود.

یک نمونه خونین آن شبلی بود که آمریکا در سال 1973 کودتایی علیه آلنده، چون سوسیالیست و مردمی بود، ترتیب داد. شرایط دوران پینوشه که آمریکا او را به جای آلنده گذاشت، خیلی شبیه جمهوری اسلامی بود. یعنی همان کشتارها و همان تجاوزها در زندانها و ناپدید شدن فرزندان را تجربه کردند که مردم ایران کمتر از یک دهه بعد تجربه کردند.

نکته جالبی که من در این تحقیق دیدم اینه که میگه کسانی که به کمک آمریکا قدرت گرفتند بعد از مدتی علیه آمریکا عمل کردند. این گفته مرا به یاد حمله به سفارت آمریکا در تهران انداخت.

نویسنده ادامه میدهد، وقتی حکومتها را تغییر دادند دیکتاتورها قدرت گرفتند و باعث جنگهای داخلی و کشتار جمعی شدند. او مینویسد این کارها را طوری انجام میدهند که بتوانند منکر شوند و بعنوان داستان به آن برخورد کنند.

دولتهای غربی که به شاه کمک کرده بودند قدرت بگیرد، در کنفرانس گوادولوپ به این نتیجه رسیدند که شاه باید سریع ایران را ترک کند. آنها برای اینکه شعله های انقلاب گسترش پیدا نکند، به اسلامیستها کمک کردند که قدرت بگیرند. آنها میترسیدند انقلاب ایران به دست کارگران شرکت نفت که در اعتصاب بودند بیفتد.

همانطور که میبینید، رژیم جمهوری اسلامی ساخته خمینی نبود. خمینی هم مثل شاه میبایست جنایتهای را انجام دهد، که انجام داد. نطفه جمهوری اسلامی را آمریکا و اسلامیستها و شاه با اختناقی که حاکم کرد، کاشتند. اگر شاه به همان اندازه که به اسلامیستها آزادی داد به چپها هم آزادی میداد، جمهوری اسلامی شکل نمیگرفت. چرا که چپها علیه مذهب و رژیم مذهبی مینوشتند و بحث میکردند. و در نتیجه غرب و اسلامیستها نمیتوانستند از یک ملا به نام خمینی رهبر درست کنند. در آنصورت وقتی که مردم علیه شاه بلند می شدند، به جای افتادن به دنبال خمینی و اسلامیستها خواسته هایشان را طرح میکردند. و تشکلهای خودشان را که همان شوراها بود حول خواسته ها و منافع خودشان سازماندهی میکردند. در چنان شرایطی قبل از تشریف آوردن خمینی و شرکایش، دولت تشکیل میدادند و جامعه دیگری میساختند. اینکه مردم این آگاهی را نداشتند و به دنبال چهار تا شعار تو خالی خمینی افتادند کاملاً تقصیر شاه و دولتش بود، که نگذاشتند مردم آگاه شوند.

**مینوهمتی:** آنچه مسلم است علیرغم چهار دهه سرکوب جامعه کارگری و زحمتکش توسط جریان اسلامی برآمده از دل جنگ سرد، کماکان جامعه بیش از هر زمان بسمت مطالبات کارگری و چپ، تمایل نشان میدهد. هراس شعبان بیمخهای نوین از اینهمه عربده کشی علیه مارکسیستها و سوسیالیستها از چه ناشی میشود؟

**نسرین پرواز:** هراس آنها از همین است که جامعه به چپ چرخیده و کارگران حق پایمال شده اشان را میخواهند. و این خواسته ها با سرمایه داری ضدیت دارند. قبل از اینکه رژیم مردم را با گسترش ویروس کرونا و عدم درمان آن ساکت کند، ما شاهد شورش گرسنگان در ایران بودیم. اینها از این میترسند که منافع شان را با این نوع شورشها و قیام ها از دست بدهند. منافع شان چیست؟ کمونیستها خواهان جامعه ای هستند که در آن بچه خیابانی نباشد. گورخوابی و زباله خواری نباشد. جامعه ای میخواهند که در آن مردم از فشار فقر خودکشی یا تن فروشی

نکنند. جامعه ای میخوانند که در آن همه، حق تحصیل و تفریح داشته باشند. جامعه ای که در آن کسی فقیر بدنیا نیاید. آنقدر ثروت در ایران هست که همه میتوانند در بهترین شرایط زندگی کنند. البته به شرطی که سرمایه داری شکست بخورد و دنیایی برابر ساخته شود. دنیایی که کسی نتواند ثروت مردم را بدزد و با پولش و ارتش، خود را در قدرت نگه دارد و هر اعتراضی را به خون بکشد. بلکه هم آنهایی که در ایران در قدرت هستند و آقا زاده هایشان که در بهترین کشورهای دنیا دارند با پول مردم زندگی میکنند، از سوسیالیستها و هر کس که علیه سرمایه داری حرف بزند بیزارند. و هم کسانی که رویای برگشتن به ایران را برای قدرت گرفتن دارند و نمی خواهند جامعه طبقاتی تغییر کند. وگرنه در تلویزیونهایشان همانطور که طرفداران رنگارنگ سرمایه داری را می آورند که در توجیه شرایطی که در دنیاست روزه خوانی کنند، از مارکسیستها هم دعوت میکردند که نظرشان را ارائه دهند.

اینکه مدیای رو به ایران به همان اندازه که رژیم ضد چپ است، علیه جریانات چپ نفرت پراکنی میکند، عجیب نیست. اینها چند هدف دارند. یکی اینکه میخوانند اینرا توی ذهن جامعه بکنند که این مردم نبودند که علیه شاه قیام کردند، بلکه چند نفر چپ بودند که خوشی به زیر دلشان زده بود و علیه رژیم شاه شورش کردند. اینها نمیخوانند مردم آگاه شوند و بفهمند که جمهوری اسلامی میوه شرایطی بود که شاه فراهم کرده بود. وقتی اسلامیهتها کسروی و مثنی اش را در صحن دادگستری ترور کردند و با اینکه معلوم بود طرفداران نواب صفوی آن جنایت را انجام دادند، شاه حاضر نشد آنها را دستگیر و زندانی کند. چرا؟ بخاطر روابط حسنه ای که با اسلامیهتها داشت. اسلامیهتها کسروی را بخاطر این کشتند که به نقد مذهب رسیده بود. همین و بس.

منظورم این است که دشمنی سلطنت طلبها با چپها چیز تازه ای نیست و به همان دوران شاه میرسد. که شاه حاضر بود با اسلامیهتها همکاری کند. عکسهای بوسه های خاندان پهلوی بر میله های امامزاده ها را میتوانید در اینترنت ببینید.

**مینو همتی: در پایان بنظر شما دست بردن قدرت از منبر آخوند به تخت سلطنت از روی سر مردم آنهم در عصر اینترنت و جوانان حقیقت پژوه و حضور پر رنگ خودآگاهی طبقاتی در راس جنبشهای اجتماعی ممکن است؟**

**نسرین پرواز:** سلطنت یکبار در ایران تاج را باخت. و با اینهمه تلویزیونهای رنگارنگ شان

در سالهای گذشته، جنبشی به نام سلطنت طلب در ایران شکل نگرفت. جنبش زنان داریم، جنبش کارگری داریم، ولی جنبش سلطنت خواه نداریم. غرب از سلطنت طلبها بعنوان نیروی فشار روی جمهوری اسلامی استفاده میکند. از طرف دیگه چاقوی آنها را بر گردن چپ تیز میکنند. و باز از طرف دیگه میخوانند به مردم ایران الغاء کنند که سرمایه داری قبل از جمهوری اسلامی بهشت بود. پس مشکل از اقتصاد طبقاتی نیست که آن همه بچه خیابانی داریم و یا زندگی برای میلیونها نفر در ایران گران است. آنقدر گران که اجاره پشت بام و یا خوابیدن در پارک هم دارد عادی میشود. میخوانند به مردم بگویند که مشکل تنها رژیم است، نه سیستم سرمایه داری. و اگر ما در قدرت باشیم بهشت به ایران باز میگردد.

طبیعی که غرب شورشهای ایران را زیر نظر دارد و زمانیکه رژیم نتواند با سرکوب حکومت کند، آمریکا سعی میکند آلترناتیو خودش را به مردم تحمیل کند. همانطور که توضیح دادم جمهوری اسلامی تنها با آخوندها شکل نگرفت و در ابتدا به همراه جریانات جبهه ملی و نهضت آزادی که با همکاری آمریکا از سالها قبل آنها طراحی کردند، بوجود آمد. بعد از گرفتن قدرت، رژیم را تصفیه کردند. همین اتفاق میتواند دوباره بیفتد. اگر مردم به رهبری کارگران کمونیست، دولت مورد دلخواه خودشان را بوجود نیآورند، سناریوی مشابهی میتواند رخ دهد. آمریکا سالهاست که در ارتباط با بعضی جریانات و شخصیتهای ایرانی است و آنها را برای زمان لازم یعنی رژیم چپ آماده میکند. دیدار بعضی از ایرانی ها با آخوندهای بی عمامه ای مثل پمپنو برای چیست، به جز آلترناتیو شدن و آلترناتیو ساختن؟

من فکر میکنم در جنگ طبقاتی، بورژوازی تمام تلاشش را میکند که ریشه اش یعنی سرمایه داری ضربه نخورد. ما هم تنها با آگاهی به گذشته است که میتوانیم از به دام افتادن دوباره جلوگیری کنیم. جمهوری اسلامی و سلطنت طلبها نمیگویند مردم فقیر برای خواسته هایشان علیه شاه بلند شدند و جوانانی که از خفقان سیاسی به تنگ آمده بودند به آنها پیوستند. جمهوری اسلامی، تاریخی را که به نفع خودش است به خورد مردم میدهد. سلطنت طلبها هم سناریوهایی را به نمایش میگذارند که بتوانند از آنها استفاده کنند. برای مثال، آیا تلویزیون من و تو هیچ وقت حلبی آبادهای اطراف تهران در دوران شاه را نشان داده؟ عکسهای این مناطق در اینترنت هست. البته که نشان

نمیدهند، چرا که باید دوران شاه را توی زورق بسته بندی کنند و به نمایش بگذارند. در حالیکه ثروت جامعه را شاه در تاج گذاری اش به رخ مردم جهان کشید، بخشی از ایرانیان در قوطی و مقوا زندگی میکردند. زمانی که خیابانهای انگلیس با نفت ایران آسفالت شد، بیشتر خیابانهای ایران خاکی بودند و مردم نه بهداشت و نه آموزش مناسبی داشتند. بلکه شاه امکان حکومت در ایران را با باج دادن پول مردم به آمریکا و انگلیس پیدا کرد. گسترش آن حلبی آبادها و خاک سفیدها تقصیر چه کسی بود؟ آن انسانها برای پیدا کردن کار به تهران آمده بودند. در حالیکه آن حلبی آبادها لکه ننگی بر گونه شاه شد و سعی کرد با بلدوزر پاکشان کند. ولی ورق به ضرر خودش برگشت و باعث شد ساکنان آن حلبی آبادها علیه شاه قیام کنند. مردم حق داشتند شاه و حکومت شاهنشاهی را نخوانند و کسی حق ندارد آن مردمی را که برای آزادی و

برابری بلند شدند تحقیر کند. اگر در شرایط امروز هم شاه در قدرت بود، برای حفظ منافعش، همین کارهایی را میکرد که جمهوری اسلامی میکند. مگر اینکه حکومت دست مردم باشد و جامعه طبقاتی سرنگون شود، وگرنه فرقی نمیکند چه فردی در قدرت باشد. گلوله های سرمایه داری را نسیب کارگران و آزادیخواهان میکنند تا سیستم اقتصادی را که تنها به نفع خودشان است حفظ کنند.

**مینو همتی: نسرین پرواز عزیز با سپاس از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و نظراتتان را با بینندگان ما سهیم شدید.**

\*رفرانس خاطرات منتظری

## اصولی شدن مبارزه با مارکسیسم برای بعضی افراد

س: در آن زمان در بندها و زندانهای مختلف برای بعضی این شبهه پیش آمده

صفحه ۳۹۳

صفحه ۳۹۱

صفحه نخست > کتابها > خاطرات > جلد اول > صفحه ۳۹۳



حالت مطالعه غیر فعال

صفحه ۳۹۳

بود که الان خطر اصلی کمونیستها هستند و باید با رژیم و ساواک به نوعی سازش کرد تا امکان آزادی از زندان برای مبارزه با مرتدین و کمونیستها به دست آید، در بند شما این نظریه تا چه اندازه رواج داشت؟

ج: در آنجا هم این زرمزه سازش بود، بعضی داشتند به این معنا تمایل پیدا میکردند که ما برای دین و مذهب داریم با این رژیم مبارزه میکنیم و الان کمونیستها خطرشان زیادتر است، باید با اینها مبارزه کرد، این کم کم در مغز بعضی افراد جا میگرفت، در همین ارتباط بود که آقای کروی و آقای عسکراولادی و آقای انواری و بعضی افراد دیگر حاضر شدند با انجام مقدماتی آزاد شوند، ما با این نظریه مخالف بودیم اما آنها نظرشان این بود که بالاخره باید از بند نجات پیدا کنند بعد بروند بیرون آزادانه مبارزه کنند؛ در واقع این یک عکس العمل در برابر آن افتضاح مجاهدین بود. تغییر ایدئولوژی آنها بعضی ها را از مبارزه دلسرد کرده بود، در واقع یک راه توجیهی باز شده بود، اما یک عده ای با این نظریه مخالف بودند و من هم با این رویه مخالف بودم، آقای طالقانی و آقای ربانی هم مخالف بودند، اما این آقایان و حتی بعضی از اعضای حزب توده و کمونیستها حاضر شدند یک چیزی بنویسند و آزاد شوند، بعد آقایان را بردند در یک جلسه ای که ابراز وفا داری به شاه بکنند و عکس و فیلم از آنها گرفتند و در تلویزیون نشان دادند و در مطبوعات چاپ کردند و بالاخره آنها را به این شکل آزاد کردند.

س: شما آنها را از این کار نهی نکردید؟

ج: آنجا مساله امر و نهی نبود مساله رفاقت بود، یکی میگفت مصلحت این است یکی میگفت مصلحت آن است، شما خودتان زندان بوده اید میدانید، آنجا هر کس خودش را صاحب نظر میدانند و برای زندگی خود تصمیم میگیرد، گاهی اوقات آقای ربانی عصبانی میشد و میخواست با عصبانیت یک چیزهایی را بگوید منتها خوب این شیوه پیش نمی رفت، مساله این بود که شما یک رای و نظر دارید من هم یک رای و نظر.



عسکراولادی برو

خاطرات

پیشگفتار

مقدمه فقیه عالم‌بدر

+ فصل اول " نجف آباد، اصفهان، اساتید و

تحصیلات " (1301 - 1320 ه. ش)

+ فصل دوم " قم، حوزه علمیه و آیات ثلاث (1326 -

1320 ه. ش)

+ فصل سوم " آیت الله العظمی بروجردی و مرجعیت

عامه " (1340 - 1326 ه. ش)

+ فصل چهارم " امام خمینی و نهضت روحانیت "

(1345 - 1340 ه. ش)

+ فصل پنجم " خاطرات تبعید " (1354 - 1346 ه.

ش)

+ فصل ششم " خاطرات زندان " (1357 - 1345 ه.

ش)

+ فصل هفتم " انفجار نور " (1363 - 1357 ه. ش)

+ فصل هشتم " دوران قائم مقامی " (1368 - 1364

ه. ش)

+ فصل نهم " دفاع مقدس " (1367 - 1359 ه. ش)

+ فصل دهم " غوغای برکناری " (1368 ه. ش)

+ فصل یازدهم " در راه انجام وظیفه " (1378 -

1368 ه. ش)

پیوست شماره 1:

پیوست شماره 2:

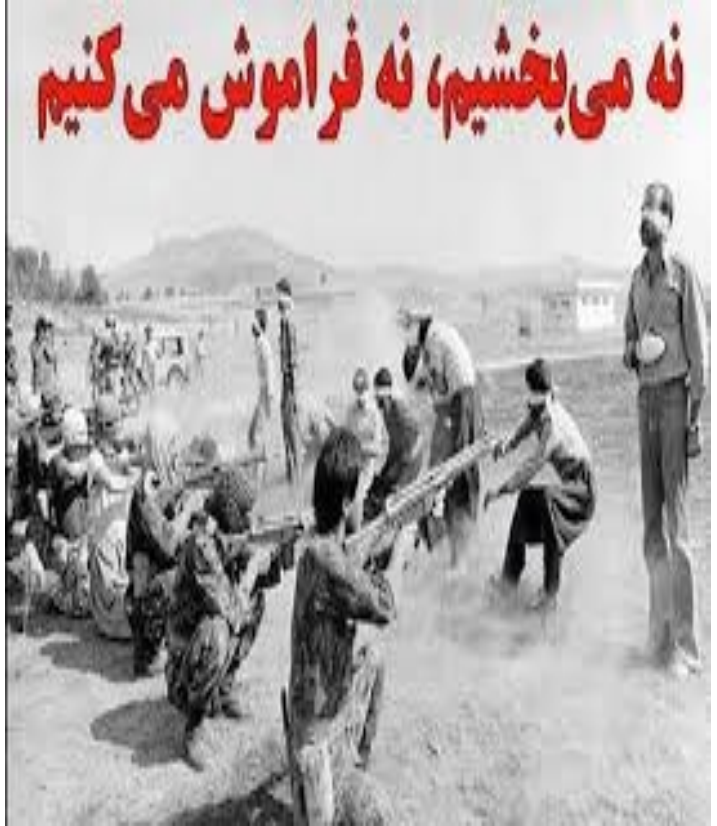
پیوست شماره 3:

[https://www.bbc.com/persian/iran/2016/06/160601\\_kf\\_khomeini\\_carter\\_kennedy](https://www.bbc.com/persian/iran/2016/06/160601_kf_khomeini_carter_kennedy)

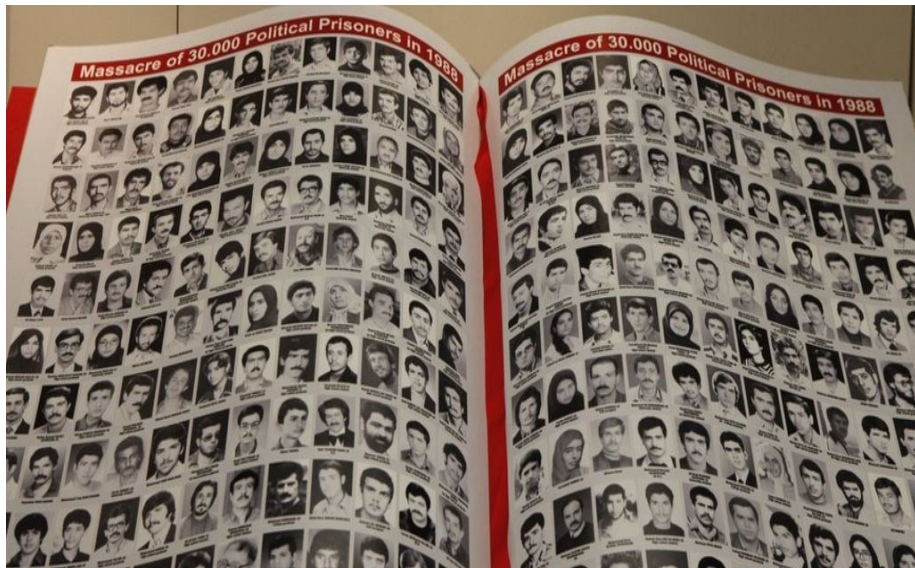
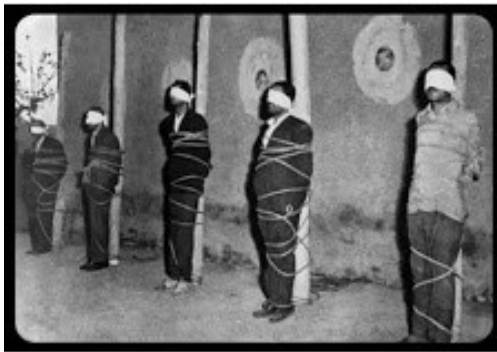
\*\*\*Lindsey A. O'Rourke <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2016/12/23/the-cia-says-russia-hacked-the-u-s-election-here-are-6-things-to-learn-from-cold-war-attempts-to-change-regimes/>

# جیات های رژیم در تاریخ و ذهنان باقی ست      نشریه سازمان رهایی زن ویژه نامه 91

## سند دستور خمینی برای کشتار و اعدام مبارزان کمونیست دهه ی شصت



سند دستور خمینی  
 در خصوص کشتار و اعدام مبارزان کمونیست دهه ی شصت  
 به استحضار می رساند که این سند در تاریخ ۱۳۶۰ صادر شد و در آن دستور داده شد که  
 مبارزان کمونیست را با بی رحمی کشتار و اعدام کنند و هیچ رحمی در قبال آنها نباشد.  
 این سند یکی از اسناد مهمی است که نشان دهنده سیاست کشتار و اعدام در رژیم است.  
 در این سند آمده است که مبارزان کمونیست را باید با بی رحمی کشتار و اعدام کرد و هیچ رحمی  
 در قبال آنها نباشد. این سند یکی از اسناد مهمی است که نشان دهنده سیاست کشتار و اعدام  
 در رژیم است. در این سند آمده است که مبارزان کمونیست را باید با بی رحمی کشتار و اعدام  
 کرد و هیچ رحمی در قبال آنها نباشد. این سند یکی از اسناد مهمی است که نشان دهنده  
 سیاست کشتار و اعدام در رژیم است.



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهائی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

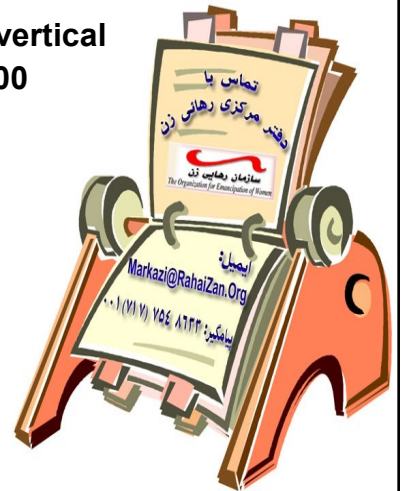
@rahaizan

تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهائی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [shararehzaei.p@gmail.com](mailto:shararehzaei.p@gmail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)